

فصل چہلم

داستان دده قورقود

یکی دیگر از کتاب‌هایی که مانند داستان کوراوغلو، در مسیر بررسی‌ها، کجراهه‌ها پیموده و تفسیرها به خود گرفته است، کتاب داستان دده قورقود می‌باشد. معمولاً این‌گونه کتاب‌های داستانی که بی‌نام مؤلف و بدون تاریخ تنظیم یافته و منشاء تاریخی مشخصی ندارند، وسیله نویسندگان و محققین مختلف، با چهارچوب‌های خاص و دیدگاه‌های عقیدتی تعبیر و تفسیر شده، و به خوانندگان ارائه و القاء می‌شوند. علیرغم داستان کوراوغلو، که نام سراینده و عنوان سروده‌ها، به قلم شعرای کلاسیک و فولکلوریک قرن هفدهم میلادی آمده و ایجاد سابقه کرده است؛ از داستان دده قورقود تا نیمه اول قرن نوزدهم اطلاعی در دست نبوده و در تاریخ ادبیات ترک و ترکمن - تازی و تازیک کتابی به نام داستان دده قورقود و مؤلفی بدین نام دیده نشده است. نسخه خطی کتابخانه درسدن و واتیکان معلوم نیست در چه تاریخی تحریر یافته و به وسیله چه کسی نگارش پذیرفته است.

نخستین بار، دانشمند آلمانی فون دیس Von Diez حکایت «دپه گوز» را در سال ۱۸۱۳ منتشر کرد. ۸۰ سال بعد، بارتولد داستان‌های دلی دمرول، درسه خان اوغلی بغاچ، سالورقازان و قامبوره اوغلی بامسی بیرک را از اوغوزنامه به روسی ترجمه کرد و به طبع رسانید. تمامی داستان در سال ۱۹۱۳ (۱۳۳۲ ه. ش) وسیله کیلسلی معلم رفعت در استانبول چاپ شد.

بعد از این تاریخ، بیش از پانزده نفر نویسنده و محقق نامی چون: بارتولد، پرتونائیلی بوراتاوا، اورخان شایق، کیلسلی معلم رفعت، جاهد اوزتلیلی، حمید آراسلی، محرم

ارگین، ولدایزبوداق، صادق عدنان ارزی، به ویژه اتور روسی Ettore Rossi و سایر محققان درباره داستان کتاب‌ها و مقاله‌ها نوشته و نظریه‌ها ابراز نموده‌اند که از میان آنها جامع‌ترین و دقیق‌ترین اثر:

Dedem Korkudun Kitabı . Istanbul, 1973 نوشته Orhan Şaik Gökyay می‌باشد. اورخان شایق متن داستان‌ها را در ۱۵۲ صفحه ترتیب داده، لغات و اصطلاحات و اعلام متن را در ۲۰۰ صفحه دیگر به دقت فهرست کرده‌اند. بر این ۳۵۰ صفحه متن و متمم، ۶۷۰ صفحه تحشیه و تعلیقات عالمانه نوشته، اثر جالب و دقیق هزار صفحه‌ای به عالم ادب و تحقیق عرضه کرده است.

آقای جواد هیئت، در کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی می‌نویسد: زیان‌شناسان آذربایجان شوروی بر این عقیده‌اند که زبان ترکی آذربایجان در قرن ۱۱ میلادی به شکل زبان واحد عمومی در آمده و آثار ادبی خلقی گرانبهایی مانند داستان‌های دده قورقود نیز از آن دوره به یادگار مانده است. (ص ۱۷۲)

این مطلب بدون دلیل و مدرک، از نوشته‌های حمید آراسلی استنتاج و استنساخ شده است.

اورخان شایق در بخش تحشیه و تعلیقات، از صفحه ۴۵ تا ۸۳ نظریات محققین و دانشمندان را درباره عناصر تاریخی داستان درج کرده و اعلام می‌دارند: اکثر پژوهشگران، آثار تهاجم آق قویونلیان به گرجستان و طرابوزان را در خلال نوشته‌های تاریخی ملاحظه کرده و رأی داده‌اند که داستان در قرن ۱۵ میلادی تنظیم و ترتیب و شکل یافته است. ایشان در صفحه ۸۲ چنین می‌نگارند: «حمید آراسلی ایسه، هیچ بیر ندن بیلدیرمدن، بو چکار لرین اون برنجی یوزایلده بیزه معلوم اولمیان بیر شخص طرفدن میدانا گتیردیگین سویله میشدر.»

اورخان شایق در بخش معرفی کتاب‌های چاپی داستان دده قورقود، اثر حمید آراسلی را با این مشخصات: حمید آراسلی، کتاب دده قورقود. آذرشر، بدیعی ادبیات شعبه سی، باکو ۱۹۳۹، ۱۷۹ صفحه. معرفی کرده و در ادامه گفتارش می‌نویسند:

آراسلی داستان را خارج از زبان اصلی، نزدیک به لهجه امروزی ترکیه، در ۱۷۸ صفحه تنظیم و در پایان ۷۰ واژه را معنی کرده‌اند که برای درک تمام داستان کفایت نمی‌کند. ایشان ادعا دارند که اصل داستان دده قورقود خیلی بیشتر از اینها بوده و در

آذربایجان نوشته شده است. کتاب آراسلی امروزه در بین کسانی که در این باره تحقیق کرده مقاله و کتاب نوشته‌اند، در کمترین مقام و در سطحی خیلی پائین قرار دارد. آراسلی ادعا دارند که بارتولد، کلیسلی معلم رفعت، نولدکه داستان را تمام نخوانده و خوب درک نکرده‌اند، ولی این ادعا در خود آراسلی صدق می‌کند. چاپ ۱۹۶۲ کتاب او همان اثر قبلی است با قطع بزرگ. عکس‌هایی که در چاپ جدید ارائه کرده‌اند با متن کتاب و دوران آن، مناسبتی ندارد او مدعی است که کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه شده است ولی معلوم نکرده‌اند به کدام زبان؟ در برگردان متن داستان به الفبای روسی همان اشتباهات و نادرستی‌ها تکرار شده است.^۱

آقای هیئت تحت عنوان «تشکیل زبان ادبی ترکی آذربایجانی» مرقوم می‌دارند: تشکیل زبان ادبی ترکی آذربایجانی با شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه آذربایجان بعد از اسلام بستگی مستقیم داشته است. از نیمه دوم قرن هفتم آذربایجان از طرف اعراب مسلمان تصرف شد. در این دوران خط و زبان عربی رایج شد و تحصیل‌کرده‌های آذربایجان آثار خود را به عربی می‌نوشتند ولی عاشق - اوزان‌ها (شعراى خلق) اشعار خود را برای مردم به زبان آنها می‌سرودند. مع‌هذا در این دوران در نتیجه توسعه شهرها و ارتباط و آمیزش مردم، لهجه‌های قبیله‌ای و قومی با یکدیگر مخلوط شدند و از اختلاط و آمیزش آنها شکل نخستین زبان واحد عمومی مردم یعنی ترکی آذری به وجود آمد.

اولاً، بهتر بود که آقای هیئت تعیین می‌کردند کدام تحصیل‌کرده آذربایجانی کدام کتاب و آثار خود را به عربی نوشته‌اند تا ما هم کسب اطلاع و ابراز افتخار می‌کردیم. ثانیاً، عرب‌های مسلمان شهرها را فتح کردند، چرا عربی شکل زبان واحد عمومی نشد، ترکی آذری به وجود آمد؟ آیا در دیگر سرزمین‌های اسلامی لهجه‌های قبیله‌ای و قومی وجود نداشته تا با اختلاط و آمیزش آنها زبان جدید و ناشناخته‌ای به وجود آید؟ ثالثاً، این نوشته‌ها مغایر و متناقض ادعای پیشین آقای هیئت است که مرقوم داشته‌اند: «زبان ترکی آذربایجان در قرن ۱۱ میلادی به شکل زبان واحد عمومی درآمد.»

دنباله گفتار آقای هیئت:

از قرن یازدهم میلادی، یعنی بعد از آمدن ترکان سلجوقی، زبان فارسی نیز در آذربایجان رایج شد.

یعنی، قبلاً (از آغاز اسلام) ترکی رایج بود. ترکمانان سلجوقی زبان فارسی را به آذربایجان ارمغان آوردند. قطران تبریزی هم قبل از سلجوقیان زبان فارسی را در ماوراءالنهر یا دیگر شهرهای فارسی زبان ایران آموخته بودند. سرزمین و مردم آذربایجان چه خاصیت‌های شگفتی داشته است. اعراب شهرها را تصرف می‌کنند زبان ترکی آذری به وجود می‌آید! اتراک وارد آذربایجان می‌شود زبان فارسی رواج پیدا می‌کند! و در یک زمان واحد (قرن ۱۱) هم ترکی شکل نخستین زبان واحد عمومی مردم می‌شود، و هم فارسی را سلجوقیان ترکمان رایج می‌کنند! آن هم فقط و فقط در آذربایجان.

گفتار آقای هیئت چنین ادامه می‌یابد:

با وجود این، نمونه‌ای از آثار ادبی شفاهی این دوران (قرن ۱۱) باقی مانده که خود نمایانگر غنای ادبی و شکوفائی زبان مردم آذربایجان است. دده قورقود که یکی از شاهکارهای ادبیات خلقی جهانی است و در آن داستان‌های ترکان اوغوز به زبان نثر و نظم منعکس است در این دوران تألیف شده و دانشمندان زبان‌شناس اروپا و شوروی و ترکیه و آذربایجان با بررسی‌های عمیقی که در این اثر بدیع ادبی نموده‌اند، این کتاب را از نخستین آثار ادبی شفاهی مردم آذربایجان به حساب آورده‌اند. ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

آقای هیئت برای این ادعاها حتی یک کلمه دلیل و یک منبع تاریخی ارائه نداده‌اند. هرگاه ایشان به دلخواه می‌نوشتند: در آذربایجان در اوایل اسلام ژاپونی‌ها سکونت داشتند و به زبان اسپانیولی و یا ترکی تکلم می‌کردند، ما مجبور و محکوم بودیم چشم بسته و بدون چون و چرا، حرف‌های آقای هیئت را درست بپذیریم. کدام دانشمند زبان‌شناس اروپایی و ترکیه و در کجا، بررسی کرده و این کتاب را نخستین ادبیات شفاهی مردم آذربایجان نوشته است؟ زبان‌شناسان اروپا و ترکیه چیزی در این باره ننوشته‌اند. زبان‌شناس شوروی هم یکی حمید آراسلی است که درباره کتاب او، اورخان شایق غیر از مطالب نقل شده در صفحات گذشته، از صفحه ۲۱۶ تا ۲۱۸ نوشته‌های نادرست و تحریف شده آراسلی را نقد و بررسی کرده است. زبان‌شناس دیگر روسی شامیل جمشید اوف است که درباره محل تحریر داستان در آذربایجان نوشته است:

چون در پشت جلد نسخه خطی درسدن تاریخ مرگ (۹۹۳ هـ) اوز دمیر اوغلو عثمان پاشا فاتح شکی و شیروان و آذربایجان را نوشته‌اند، بدین دلیل کتاب در آذربایجان نگارش یافته است.^۲

چه دلیل محکم و مستدلی؟

عثمان پاشا روز ۲۸ رمضان ۹۹۳ هـ. به تبریز وارد و پس از ۳۶ روز در چهارم ذی‌قعدة ۹۹۳ در میدان جنگ کشته شد. ثبت تاریخ در گذشتگان پایان قرن ۱۵ در پشت جلد کتاب، چه ربطی به تاریخ تألیف کتاب مزبور در قرن ۱۱ دارد؟ آقای هیئت پس از ادعای سابقه هزار ساله برای داستان‌های کتاب دده قورقود، مشخصات آن را بدین‌گونه معرفی می‌نمایند:

مقدمه کتاب بعداً و به قلم گردآورنده داستان‌ها نوشته شده، نثر آن نیز با متن داستان‌ها متفاوت است. نویسنده کتاب و تاریخ آن معلوم نیست. ظاهراً کتاب در نیمه دوم قرن ۱۵ تدوین شده است. ولی تاریخ وقایع داستان‌ها قدیم‌تر است. خود اینجانب با در نظر گرفتن تحقیقات دانشمندان به این نتیجه رسیده‌ام که این داستان‌ها در آذربایجان و آناتولی شرقی و با الهام از وقایع تاریخی ساخته شده‌است منتها ریشه آنها تا آسیای میانه می‌رسد. از نظر خصوصیات زبان مربوط به زمانی است که هنوز ترکی آذربایجانی از ترکی آناتولی جدا نشده بود یعنی همانطوری که در مقدمه کتاب ذکر شده به لهجه اوغوز نوشته شده است (کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغوزان). معهداً بیشتر ویژگی‌های ترکی آذری در مرحله تشکیل را در خود حفظ کرده است. اسامی جاهایی که به عنوان محل وقوع حوادث داستان‌ها آمده (گنجه، بزده، قلعه النجه، گویچه گولی یا دریاچه گویچه، دره شام و دربند) مربوط به آذربایجان است. (ص ۱۷۸ و ۱۷۹)

آقای هیئت وقایع تاریخی آذربایجان را بیان نکرده‌اند تا معلوم شود کدام رویداد تاریخی با کدام داستان کتاب ارتباط پیدا می‌کند. گنجه و بردعه، قلعه النجه و دربند، دریاچه گویچه هم مربوط به آذربایجان نیستند. از اعلام جغرافیایی این کتاب در صفحات آینده بحث خواهد شد.

وقایع تاریخی داستان دده قورقود را اتور روسی ایتالیایی و صادق عدنان ارزی استاد تاریخ دانشگاه آنکارا بررسی کرده و رأی داده‌اند که داستان قانتورالی سرگذشت‌های

بیک تورعلی حاکم دیار بکر را تمثیل کرده، جدّ فرمانروایان آق قویونلو «بیسوت خان» هم در کتاب دده قورقود به نام عروض فوجاوغلو «باساط» داستان‌پردازی شده است.^۳ متن کامل کتاب دده قورقود، در بخش تحشیه و تعلیقات اورخان شایق از هر لحاظ نقد و بررسی شده است. در اینجا نگارنده به قسمت‌هایی خواهد پرداخت که در بررسی‌های شایق و دیگران بدانها توجه نشده است.

اکثر پژوهشگران، تاریخ تحریر کتاب را قرن پانزدهم میلادی تعیین کرده‌اند. ولی ولدایز بوداق که از محققان بنام بوده و نخستین کسی است که در سال ۱۹۳۷ داستان‌های دده قورقود را در روزنامه Duggu منتشر کرده است.

در مقدمه‌ای که برای چاپ کتاب خطی «آتالارسوزی» تهیه کرده است، چنین می‌نویسد:

کتاب «آتالارسوزی» که در سال ۸۸۵ هجری تهیه و تنظیم شده است از کتاب دده قورقود هم قدیمی‌تر است. برای اینکه در کتاب دده قورقود از عثمانیان تعریف و تمجید به عمل آمده و به صراحت نشان می‌دهد که کتاب مزبور در سرزمین‌هایی تألیف یافته است که در آن دوره عثمانیان بدان جایها تصرف و تسلط داشتند (بعد از فتح استانبول در ۸۵۷ ه.)، در صورتی که در کتاب «آتالارسوزی» از عثمانیان نامی برده نشده است. ایز بوداق در زیر نویس مقاله مرقوم می‌دارند: «دده قورقودون تألیف تاریخی ایله بیزیم استانبولدا باسیلان نسخه آرا سندا خیلی فوق وارد.»^۴

متن کتاب دده قورقود، ۱۷۰ واژه فارسی و ۳۵۰ لغت عربی دارد و به لهجه عثمانی قرن شانزدهم خیلی نزدیک است. در خلال داستان‌ها از چیزهایی بحث شده است که مربوط به تشکیلات نظامی عثمانیان بوده و هیچ ربطی به آق قویونلوها ندارد. و در زمان غزها اصلاً همچو اصطلاحاتی وجود نداشته است.

در داستان‌های شماره ۳ و ۷ و ۹ به نام‌های: بامسی بی رک، قازلیق قوجا اوغلو یغنتق، و بگلی اوغلو امره، از پیروزی بر فرمانروای مسیحی (تاکاور) و تخریب کلیساها و ایجاد مساجد بحث شده و در پایان داستان‌ها آمده است: «از قماش‌های پاکیزه و دختران زیباروی، به خان خانان بایندرخان پنجیک اختصاص دادند و بقیه را به غازیان بخش کردند.»

واژه پنجیک از اصطلاحاتی است که بعد از تأسیس ینی چریان به وجود آمده. در سال ۷۶۳ هجری یکی از علمای عثمانی بنام ملا قرارستم به اتفاق جاندارلی قراخلیل قاضی

عسکر، سلطان مراد اول را آگاه کردند که از اسیران و غنایمی که در جنگ با کفار به دست می‌آید، مطابق شرع اسلام یک پنجم آن به سلطان تعلق می‌گیرد. از آن تاریخ از میان اسیران غیرمسلمان، جوانان ۸ الی ۱۸ ساله را انتخاب و برای خدمت به سلطان، در پادگان‌ها تعلیم دادند و به نام ینی چری یا (پنجیک اوغلانی) معروف شدند.^۵

لغت علوفه نیز از اصطلاحات ینی چریان می‌باشد به معنی «دستمزد». در کتاب ینی چریان آمده است:

ینی چریان از بدو تأسیس یومیه دو آنچه به نام علوفه (دستمزد) دریافت می‌کردند. در قرن شانزدهم به مزد آنان یک آنچه اضافه شد و روزانه به سه آنچه ترفیع یافت. با سابقه‌ترین نفر ینی چری در اوایل قرن شانزدهم پنج آنچه، و در پایان قرن مذکور روزانه هشت آنچه علوفه دریافت می‌کردند.^۶

در داستان هفتم کتاب دده قورقود، چنین می‌خوانیم:

بش آنچه‌لو علوفه چیلری بولداش ای‌دین^۷

بش آنچه‌لو علوفه جی، (سواران پنج آنچه دستمزد) فقط در قرن شانزدهم وجود داشتند. قبل از این تاریخ در هیچ منبعی از «بش آنچه‌لو علوفه جی» نامی برده نشده است.

در چندین جای داستان، واژه «توپ» به ویژه «دولدوران توپ» به کار رفته است. اورخان شایق آن را به معنی «هر چیزگرد» نوشته و معنی کرده‌اند. اولاً: هر چیزگرد را به گلوله‌های توپ می‌توان تشبیه کرد نه خود توپ، ثانیاً در قدیم به توپ‌هایی که از سر پر می‌شدند «دولدوران توپ» می‌گفتند. داستان از این اسلحه آتشین بحث می‌کند.^۸

غیر از کاربرد توپ، در متن داستان، توصیه می‌شود که از ترقه و مواد منفجره برای ایجاد وحشت در دل دشمن، استفاده کنند:

یوز آدام سچیلون ترقه چاتلادین، اوغلانی کورکودون... (ص ۱۲۱ شایق) «یوز آدام سچیلپ تاراقا چاتلا دین، اوغلانی قور خودون، اوغلان قوش اورکلی اولور، میدانی قویار، قاچار.» (ص ۱۷۹ م.ع. فرزانه)

آیا اوغوزها در قرن ۱۱ میلادی مواد منفجره و وسایل ترقه برای ایجاد ترس و وحشت داشتند؟

در سومین داستان کتاب دده قورقود، چنین می خوانیم:
 بزرگان لاریول یراقین گوروب یولاگیردیلر، گجه گوندوز یور توپ استانبولا گلدیلر.
 (شایق ۳۲) «بازرگانلار دخی گجه گوندوز یولاگیردیلر، استانبولا گلدیلر.» (ص ۵۹
 فرزانه)

شهر استانبول تا زمانی که در دست دولت بیزانس بود، قسطنطنیه نام داشت. در ۲۹
 جمادی الاول ۸۵۷ هـ. (۲۹ مه ۱۴۵۳) سلطان محمد فاتح بر این شهر پیروز شد و از این
 تاریخ استانبول نامیده شد. دایرةالمعارف اسلامی (چاپ ترکیه) اشعار می دارد:
 تورکلر استانبولون تاریخی واسمی ایله بالخاصه شهرین فتحیندن صونرا ایلگی
 لشمشدر.^۹

ترجمه: ترکان با اسم و تاریخ استانبول، بعد از فتح آن شهر (۸۵۷ هـ.) رابطه و آشنائی پیدا
 کرده اند. اوغوزهای ماوراء ترکستان، چگونه قبل از ۸۵۷ هـ. اسم شهر را در داستان های
 خود «استانبول» به کار بردند؟ تازه سال های سال و دهه ها طول می کشد تا اینکه اسم و
 اصطلاح جدید پس از تداول عام و شهرت تام، در داستان های عامیانه مردم جای پیدا
 کند و زیانزد شود.

همین طور است اطلاعات مربوط به کلیسای «ایاصوفیه» و کشیش های آن که در
 داستان سالورقازان و فرزندش اوروز، از آن یاد شده که در نهایت کلیسا را تخریب نموده
 مسجد بنا کردند.^{۱۰} در صورتی که می دانیم کلیسای ایاصوفیا خراب نشده، ولی به مسجد
 تبدیل شده است، آن هم نخستین بار به وسیله سلطان محمد فاتح.

در حکایت شماره ۱۱، غازان خان چنین خودستائی می کند:

«آق حصار قلعه سنین بُرجنی بیکدیم.» (شایق ۱۳۸، فرزانه ۲۰۴)

به تعریف دانشنامه ایران و اسلام، آق حصار- نام چند شهر:

۱. معروف ترین آنها آق حصار واقع در آناتولی غربی است در دوره های قدیم و
 عهد رومیان به نام «تیاترا» خوانده می شد، و نام ترکی جدید آن به مناسبت دژی است که
 بر تپه ای نزدیک آن وجود دارد. ترکان عثمانی آن را در ۷۸۴ هـ. ۱۳۸۲ م تصرف کردند.
 برای آگاهی از دیگر آق حصارها به دانشنامه ایران و اسلام مراجعه نمایند.
 شهرها و مواضع تاریخی که در قرن های ۱۴ و ۱۵ میلادی نام گذاری شده و هویت

یافته‌اند. آیا می‌توانند در قرن ۱۱ میلادی در داستان‌های اوغوز جای گیرند و افاده مقصود نمایند؟

این که نوشته شده: «کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغوزان» درست نیست و عنوان غیرواقع و ساختگی است. به دلیل این که: از لسان اوغوزان دو کتاب معروف «کوتاد غویلیگی» و «دیوان لغات الترک» کاشغری را در دست داریم. نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های کتاب اخیر را ارائه می‌نماید:

آذن کشی نانکی ننک سانماس = مال دیگری اموال محسوب نمی‌شود.
تاغغ آفرقین اکماس، تنکزنی قیغقن بکماس = کوه با کمند کم نمی‌شود، دریا با قایق از بین نمی‌رود.

ارسک ارکاتکماس، ایوک اوکاتکماس = زن مرد دوست به شوهر نمی‌رسد، شخص شتابزده به خانه

یراق بیرساون آرقش کلدرور = خبر جای دور را کاروان می‌آورد.
بش ارنکاک توز ارماس = پنج انگشت یکی نمی‌شود.
امکلك اراغت کساکجی بلار = زن شیرده با اشتها می‌شود
اسقمشاساقغ غمغ سووکر نور = تشنه را سراب سراسر آب می‌نماید.
آج ایوک تق تلک = گشنه شتابزده، سیر صبور می‌شود
توغاچ خانک ترقوسی تلیم تنکلامدب بجماس = خاقان چین ابریشم زیاد دارد (اما) گز نکرده نمی‌برد.

یلنکق منککو ترلماس، سین قاکرب کرو تیماس = انسان زندگی ابد نمی‌کند، به قبر وارد شد بر نمی‌گردد.

تمو قیغن آچار تغاز = در جهنم را پول باز می‌کند.^{۱۱}

دیوان لغات الترک، سراسر با این نوع لفظ و لغات تدوین شده است. هرگاه محمود کاشغری آنها را به عربی ترجمه نمی‌کرد، امروزه هیچ کس قادر به فهم آن نبود. در ترکیه هم همین کتاب را از روی متن عربی در سه جلد به ترکی استانبولی برگردانده‌اند. کتاب دده قورقود هم هرگاه به لسان اوغوزان می‌بود بی‌شک می‌بایست با همین الفاظ و عناوین و سیاق نوشتار تنظیم می‌شد. در صورتی که واژه‌های فارسی ناب (حتی عربی از طریق فارسی) در این کتاب به حد فراوان وارد شده است، مثلاً: آدینه، آبدست، شبچراغ، شبکلاه و شاهباز - خرد، خرّم، گاه، گور، گُرز، نگار، ناگاه و ناکس - پاس، پاینده، ساروان،

سایه‌بان، سرموزه و سرور - چاک، چابک، کمال و جمال، زیرو زَبَر، زخم، زندان، آزاد، ارزان و صدها لغت ادبی و اصطلاحات جغرافیایی فارسی دیگر.

با ملاحظه آثار مسلم و موجود به لسان اوغوز و مقایسه آنها با کتاب دده قورقود بدون تاریخ و مؤلف مفقود، با مختصات مغایر، نوشته آقای دکتر جواد هیئت به شرح زیر:

«کتاب ددره قورقود که قدیمی‌ترین اثر مکتوب ادبیات خلقی است و درباره داستان‌های حماسی ترکان اوغوز نوشته شده از شاهکارهای ادبی جهانی است و به ترکی اوغوز و لهجه مشترک آذربایجان و آناتولی قدیم است و در مبحث تاریخچه ترکی آذری مورد بررسی قرار گرفته است.» (ص ۱۲۴) با تحقیق و تعمق راست نمی‌آید و دلالت بر صحت نمی‌کند. به ویژه اینکه، آقای هیئت در کتابشان اقرار کرده و اعلام می‌دارند: «با آنکه در دیوان لغات ترک به تفصیل از ترکی اوغوز بحث شده متأسفانه هیچ اثر ادبی به لهجه اوغوز که مربوط به زمان محمود کاشغری باشد در دست نیست.» (ص ۵۸)

در داستان «قاضیلوق قوجا اوغلی» آمده است: یگنک به بایندر گفت «به من لشکر سپار و مرا به قلعه‌ای که پدرم زندانی است، بفرست.

بایندر خان ۲۴ سنجاق بیگی (فرماندار) را احضار کرد.

بایندر خان بویوردی: ایگر می‌دورد سنجاق بیگی گل‌سین، دیدی (فرزانه ۱۵۱-۱۵۲) سنجاق بیگی، از اصطلاحات تقسیمات کشوری عثمانی بوده که در قرن‌های نهم و دهم هجری ترتیب و تشکیل یافته بود. در این باره «تاریخ امپراتوری عثمانی» نوشته وین ووسینچ، اخبار می‌کند:

تا سال ۱۵۱۷، امپراتوری عثمانی از نظر اداری و نظامی به دو منطقه (بیلربیلیک‌های آناتولی و روم ایلی) تقسیم شده بود. پس از آنکه امپراتوری گسترش یافت، مناطق تازه‌ای به نام «بیلربیلیک»، «ولایت» و «پاشالک» بدان افزوده گشت. در سده شانزدهم بیلربیلیک وجود داشت که هر یک به دست استانداری می‌گشت... هر استانی به دو شهرستان (سنجاق) تقسیم می‌شد و هر شهرستان فرمانداری به نام «سنجاق بیگی» داشت. (ص ۲۷ و ۲۸)

در داستان‌های دده قورقود، از چپاول و یغمای مهاجمان سوار به نام «آکینچی» سخن رفته است (فرزانه ص ۱۳۹-۱۸۳-۱۸۴). سواران آکینچی از زمان سلطان بایزید دوم در

تشکیلات نظامی عثمانیان جای گرفته و مأموریت داشتند قبل از ورود اردوی عثمانی به شهرهای مرزی یورش برده و آبادی‌ها را ویران و با ایجاد رعب و وحشت قوای دشمن را تضعیف نمایند.

این اصطلاحات نظامی و اداری، از کتاب‌های قرن شانزدهم میلادی اخذ و اقتباس، و به داستان برساخته دده قورقود وصل و التباس شده است.

در داستان دلی دومرول آمده است: «آلتون گوموش پول گرکسه، اونا خرچلیک اولسون» (فرزانه ۱۲۲ - شایق ۷۹)

در حکایت زندانی شدن سالورقازان هم می‌خوانیم: «آقچه گتیر دیلر، پول در دیدیم. قیزیل آلتون گتیر دیلر باقر در دیدیم.» (فرزانه ۲۰۴ شایق ۱۳۸)

در «فرهنگ بزرگ ترکی» چاپ آنکارا و لغت‌نامه دهخدا، واژه پول مأخوذ از لغت Qublus یونانی معنی شده و فلوس را شکل عربی آن معرفی کرده‌اند. کلمه پول تا قرن هشتم هجری در ادبیات و آثار فارسی هم به‌کار نرفته، نخستین بار این واژه در اشعار مولانا جلال‌الدین رومی ارائه و ابراز شده است.

فرهنگ معین، واژه پول را «قطعه‌ای از طلا، نقره، مس یا فلز دیگر که از طرف دولت سکه زده می‌شود» معنی می‌کند. در کتاب دده قورقود از سکه‌های طلا و نقره (آلتون گوموش پول) سخن رفته و در خیلی از صفحات آلتون آقچه (آقچه طلا) هم درج شده است. قدیمی‌ترین اشاره به لغت «آقچه» در دیوان خاقانی و تاریخ راحة‌الصدر ابن راوندی دیده شده است. ابن فضلان سکه‌های غزان را دینار مسیبه نوشته، جیهانی نیز نقدهای بخارا، مرکز امارت و تجارت ماوراءالنهر را شرح داده است: «نقدهای آن درم است به زر خرید و فروخت کمتر کنند. درم را ایشان غطرفی خوانند و آن سیمی است از آهن و روی و مس و سرب و این سیم حز در عمل بخارا روان نباشد. (اشکال‌العالم، ص ۱۸۵)

بدین ملاحظات، سکه طلایی به نام «پول» در تاریخ سابقه ندارد. آلتون آقچه هم از اصطلاحات دیوانی سده‌های اخیر می‌باشد. هیچ کدام آنها، از نقود غزان چادرنشین در گوشه شمالی ترکستان نبوده است.

آخرین تفحص در کتاب دده قورقود را با بررسی لغت «شاپکا» به پایان می‌برد:

گفت و شنود قانلی قوجا اوغلی قان تورالی یا تکور طرابوزان

قانتورالی گلدی، قازا شاپقالو تکورا سلام و ثردی. تکور علیک آلدی. (فرزانه ۱۳۳؛

شایق ۸۷)

ترجمه: قانتورالی آمد، به تکور (تکاور) شاپکاسیاه سلام کرد.

سرپوش لبه دار و معروف اروپائیان، در فرانسه و انگلستان شاپو نامیده می شود. در کشورهای شرق اروپا به ویژه در روسیه این کلاه به شاپکا اشتهار دارد. دده قورقود اوغوز تبار هزار سال پیش سهل است حتی اعراب و ایرانیان و ترک های آناتولی هم تا قرن هجدهم میلادی نام این کلاه را نمی دانستند و بر زبان نیاورده اند. هرگاه دیده هم باشند آن را «کلاه فرنگی» یا به تحقیر «کلاه لگنی» می گفتند.

همان طوری که امروزه نویسندگان متعددی با مطالعه کتاب های تاریخ و انساب و اطلاع از سنن و آداب و محیط زیست اشخاص، برای مردانی نامی چون: امام علی (ع)، ابومسلم خراسانی، صلاح الدین ایوبی، بابک خرّم دین، نادرشاه، امیرکبیر، ناپلئون و شخصیت های برجسته دیگر بیوگرافی و سرگذشت نوشته و رویدادهای مهم تاریخی را چون: قیام ابومسلم خراسانی، نهضت ابوسعید گناوه ای، قیام سربداران، نهضت مشروطه را بنابه سلیقه و استنباط خود به قلم و کاغذ آورده اند، یا داستان های «سمک عیار» و «اسکندرنامه» را شاخ و برگ داده اند و کتاب ها ساخته اند، کتاب دده قورقود نیز با همان روش به انگار و نگارش درآمده است تا برای اقوام مهاجم و سمن باور، فرهنگ و ادب سازور نمایند.

پی‌نوشت‌ها

1. Orhan, Saik gokyay. *Dedem korkudun Kitabı*, Istanbul, 1973, S: 14.
2. همان مأخذ ، S: 594.
3. Adnan, Sadik Erzı. "Akkoyurlu ve Karakoyurlu Tarih Hakkırda orařıtnalır" *Belleten*, vol. xvIII, Ne: 70, S: 179-221.
- Boratav. Naılı: Perttev . "Dede Korkut heka - yelerırdeki Tarihi Olayglor ve kitabın Teli f tarihi" *Turkiyat Mecnuasi*, Cı XIII, 1958, S: 31-62.
4. Izbudak, Velet. *Atalar Sözü*. T. D. K. 1936, S: 3.
5. Koc`u, Reřad. Ekrem *Yerniceriler*, Istanbul, 1964, S: 15.
- Uzunc`arřcli; İsmail, Hakki. *Kapukulu Ocakları*, Ankara, T. T. K. B, 1943, S: 6-8.
6. Kocu. R. E. *Ibid*. S: 97.
7. Orharn, řaik. *Op. Cit.*, S: 101.
- فرزانه. م.ع. دده قورقود. انتشارات فرزانه، تهران: ۱۳۵۸، ص ۱۵۳.
8. Orhar, Saik. *Op. Cit.* S: 3, 103, 136.
- م. فرزانه. مأخذ قبلی، ص ۲۰، ۵۵، ۱۵۵، ۲۰۱.
9. *İslam Arşikopedisi*. Cilt: 5, S: 1143, "İstanbul". ذیل ماده
10. Orhan, Saik. *Op. Cit.* S: 140- 141
- فرزانه. م. مأخذ قبلی، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.
۱۱. نجیب عاصم. «اسکی ساولر» دارالفنون ادبیات فاکولته سی مجموعه سی. استانبول تأسیس ۱۳۳۸ هـ. ق. شماره ۲، ص ۱۵۳ تا ۵۰۲ در چهار شماره.

END OF ARTICLE